

ترجمه قرآن از نظر مفسرین و فقهای مذاهب اسلامی

ترجمه قرآن از نظر مفسرین و فقهای مذاهب اسلامی

(جعفری، حنفی، شافعی، حنبلی، مالکی و ظاهری)

عبدالکریم بی آزار شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ لِلَّهِ الْإِسْلَامُ أَجْمَعُ وَالْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ إِنْ يَآتُوا بِمِثْلِهِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَآتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا.

در طول تاریخ اسلام در دونویست بحث جنجال برانگیزی پیرامون مساله ترجمه قرآن میان فقها و مفسرین و اندیشمندان در گرفته؛ یکی در گذشته بر سر جایگزینی ترجمه به جای قرآن میان مکتبهای فقهی در نماز و دیگری در عصر ما میان علمایی که خواستار نشر قرآن در جهان بودند از سویی، و کسانی که دستهای استعمار را می دیدند که در کشورهای چو ترکیه و کشورهای مسلمان نشین شوروی می کوشند تا وحدت مسلمانان را که از راه وحدت زبان قرآن بود، از بین ببرند و زبانهای ملی را به جای زبان قرآن بنشانند و ابهت و عظمت قرآن را با ترجمه های سست و نامفهوم درهم بشکنند، و از این رو با ترجمه قرآن به مخالفت برخاستند.

در قرآن آیاتی بیانگر عدم امکان جایگزینی ترجمه قرآن به هرگونه زبانی است؛ مفسرین و فقهای عظام از دیرباز در این باره به بحث و استدلال پرداخته اند.

—(124)—

نظر اغلب بلکه اجماع فقهای مذاهب اسلام این است که ترجمه قرآن در نماز جایز نیست، تنها ابوحنیفه امام حنفیان در صورت عدم قدرت بر ادای نماز به عربی، ترجمه آن را به فارسی جایز دانسته که گفته می شود وی از این نظر برگشته است (1).

اما در غیر نماز نیز بعضی از علمای اسلامی ترجمه قرآن را جایز ندانسته و بعضی به عنوان این که آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید، آن را جایز دانسته اند.

از جمله علمایی که با ترجمه قرآن به مخالفت برخاسته اند:

ادیب محمد مهیاوی در کتاب ترجمه القرآن الکریم غرض للسیاسة و فتنة في الدين.

محمد عبد العظیم زرقانی در «مناهل العرفان في علوم القرآن» / 2.

محمد رشید رضا در «تفسیر المنار» / 9.

شیخ احمد فهمی محمد در «آية التنظيم تدافع عن القرآن الكريم».

محمد مصطفی الشاطر در «القول السديد في حكم ترجمة القرآن المجید».

محمد سلیمان در حدث الاحداث في الاسلام، الاقدام علي ترجمة القرآن.

و از جمله کسانی که با ترجمه قرآن موافقت کرده اند:

خواجه عبدالقادر انصاری در تفسیر سورة ابراهيم، آية 4 و نیز در فتوایی که در مقدمه تفسیر میبدي از ایشان نقل شده است.

شیخ محمد مصطفی مراغی در کتاب «بحث فی ترجمه القرآن الکریم واحکامها».

1 - اقوال و نظریات فقهاء به تفصیل، خواهد آمد.

-(125)-

محمد فرید وجدی در «الادلة العلمية في جواز ترجمة معاني القرآن الى اللغات الاجنبية» همان طور که موافقین ترجمه قرآن به نظر پیشوای حنفیان مبنی بر جواز قرائت ترجمه سوره حمد به فارسی در نماز استدلال کرده اند، مخالفین ترجمه قرآن نیز مانند سید محمد رشید رضا در تفسیر المنار به اقوال فقهای مذاهب اسلامی در رد فتوای ابو حنیفه مبنی بر عدم جواز قرائت ترجمه سوره حمد به فارسی در نماز (1) تمسک جسته اند.

گرچه نظر فقها، رضوان الله علیهم در خصوص قرائت حمد و سوره نماز است، اما از دلائلی که اقامه کرده اند، استفاده می شود که آنان ترجمه قرآن را به طور کلی قرآن ندانسته بلکه آن را از کلام آدمیان می دانند.

بررسی اقوال فقهای مذاهب اسلامی نشانگر تقارب فراوان این مذاهب بخصوص شیعه و سنی در اغلب مسائل و مبانی فقهی است.

در این فصل ابتدا نظر فقهای شیعه و آنگاه نظر سایر مذاهب اسلامی را از نظر می گذرانیم و این نمونه ای است از فقه مقارن یا فقه تطبیقی میان مکتبهای فقهی شیعه و سنی.

شیخ الاسلام ابی جعفر طوسي (متوفای 413 هـ) در «کتاب الخلاف» خواندن معنای قرآن را به غیر عربی به هر زبانی که باشد، در نماز صحیح نمی داند، بطوری که اگر

1 - رجوع شود به سید محمد رشید رضا، تفسیر المنار 9: 321 - 334.

-(126)-

کسی چنین کند، آنچه خوانده قرآن نبوده، نمازش باطل است.

آنگاه شیخ طوسي دلائل خود را چنین ارائه می دهد:

آیه ﴿وَأَنزَلْنَاهُ لَتَنزِيلٍ رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ (1)؛ «آن تنزیلی است به زبان عربی».

آیه ﴿إِنزَالِنَا انزَالًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (2)؛ «ما آنرا به صورت قرآنی عربی نازل کردیم».

آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ﴾ (3) «ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم».

عبدالله بن ابی اوفی روایت می کند که مردی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: من نمی توانم چیزی از قرآن از بر نمایم چه کنم؟ فرمودند: بگو: سبحان الله والحمد لله (4).

اگر معنای سوره حمد مساوی با قرآن بود، به وی می فرمودند که آنرا به هرزبانی که برای آسان است حفظ کن و این که از قرائت به تسبیح و تحمید عدول کرده اند، دلیل بر این است که ترجمه قرآن، قرآن نیست.

اثبات این که چیزی قرآن است جز با نقل متواتر و مستفیض نمی شود و تاکنون نه به طور متواتر و نه به طور آحاد نقل نشده که معنای قرآن، قرآن است.

امت اجماع دارند بر این که قرآن معجزه است. هر چند که در جهت اعجاز آن اختلاف دارند، بعضی قرآن را از جهت فصاحت و بعضی از جهت فصاحت و نظم هر دو معجزه می دانند و برخی قائل به صرفه اند. بنابراین کسی که معنای قرآن را قرآن بدانند، اجماع را ابطال نموده است.

سورة شعرا: 192 و 195.

2 - سورة يوسف: 2.

3 - سورة ابراهيم: 4.

4 - سنن ابی داود 1: 305 شماره 839 و محمد حسن نجفی، جواهر الکلام 9: 303.

(127)

از نظر عقل کسی که شعر امرء القیس و اعشی و زهیر را ترجمه کند گفته نمی شود که شعر آنان را سروده است.

برخی مدعی شدند که مردی از عجم این قرآن را به نبی اکرم صلی الله علیه و آله یاد می دهد.

خداوند می فرماید: ﴿لِسَانَ الَّذِي يُلَاحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مَّبِينٌ﴾.

این کسی را که به عنوان معلم پیغمبر صلی الله علیه و آله ادعا می کنید عجمی است و آنچه را که پیغمبر برای شما آورده عربی فصیح است. بنابراین اگر تمام قرآن به هر زبانی قرآن بود، ادعای آنان را انکار نمی کرد.

هر گاه کسی قرائت را به زبان و لفظ قرآن بخواند ذمه اش - به یقین - بری می شود اما اگر ترجمه آن را بخواند ذمه اش به یقین بری نمی شود (1).

شیخ طوسی در کتاب المبسوط نیز قرائت قرآن به غیر زبان عربی را جایز نمی داند و فتوایش این است که حمد و سوره هرگاه به غیر عربی نازل شده از سوی خدا، قرائت شود قرآن نبوده و نمازش مجزی نیست (2).

2 - از نظر محقق حلی

از نظر ابو القاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (الحلی متوفی 676 هـ) در کتاب «شرایع الاسلام» و «المختصر النافع» نیز ترجمه حمد و سوره برای نماز قطعاً و اجماعاً مجزی نیست زیرا که امر: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (3)؛ آنچه از قرآن میسر است بخوانید «امثال نشده است» (4).

1 - شیخ طوسی، الخلاف 1: 108 - 109.

2 - ابی جعفر الطوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، 1378 هـ 1: 107.

3 - سورة مزمل: 20.

4 - محقق حلی، المختصر النافع فی فقه الامامیه، چاپ مصر: 30.

-(128)-

3 - از نظر علامه حلی

یوسف بن مطهر حلی معروف به علامه، فقیه معروف قرن هفتم هجری نیز ترجمه حمد و سوره را در نماز مجزی ندانسته، تعلیم حمد و سوره را به زبان عربی در صورت امکان واجب دانسته (1)، و در کتاب «القواعد» می نویسد: اگر به حرفی از حمد یا سوره اخلاقی وارد آورد یا ترجمه آن را بخواند با امکان فراگیری و

4 - از نظر محقق کرکی

محقق ثانی شیخ علی بن الحسین کرکی (متوفی 940 هـ) در «جامع المقاصد» بجهت تاسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برای این که قرآن عربی است، ترجمه قرآن و یا چیزی مرادف آن را به عربی جایز نمی داند، چون اسم قرآن بر آن صادق نیست. زیرا نظم مخصوصی که اعجاز قرآن به آن است در غیر آن نیست... حتی اگر امر دائر شود بین ترجمه قرآن و ترجمه ذکر، باید ترجمه ذکر را بجا آورد، زیرا ذکر با اختلاف زبان از ذکر بودن خارج نمی شود، بخلاف قرآن (3).

5 - از نظر محقق عاملی

محقق عاملی سید محمد جواد حسینی (متوفی 1226 هـ) در کتاب «مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه»، ادعای اجماع بر مجزی نبودن ترجمه حمد و سوره کرده و آن را مذهب اهل بیت علیهم السلام می داند. همچنانکه در کتاب «المنتهی» (علامه حلی) ذکر شده و بر آن اجماع علما حاکم است، چنانکه در کتابهای الفقیه (صدوق) و المعتبر (محقق حلی) والذکری (شهید اول) والمدارک (طباطبایی) آمده و در کتابهای

1 - علامه حلی، تبصرة المتعلمین: 18.

2 - محقق کرکی، جامع المقاصد 2: 244.

3 - کرکی شیخ علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد 2: 246.

البيان (شهید اول) والوجیز (ابن فهد) والحاوی و كشف الالتباس (ممیری) و جامع المقاصد (محقق کرکی) و فوائد الشرایع (کرکی) و تعلیق النافع، گفته شده که ترجمه فاتحه الكتاب در صورت عجز و ناتوانی نیز مجزی نیست و این همان چیزی است که از کتابهای المبسوط والخلاف (شیخ طوسی) و الناصریه والفنیه

(ابن زهره) و النافع والمعتبر (محقق حلي) والتحرير (علامه حلي) و المنتهي (علاء مه حلي) والكافي (ابو الصلاح حلي) نقل شده است.

6 - از نظر صاحب جواهر

مرحوم شيخ محمد حسن نجفي (متوفي 1266) در كتاب «جواهر الكلام» در شرح كلام صاحب شرايع مبني بر مجزي نبودن ترجمه فارسي و غير فارسي حمد وسوره، آن را نظر اكثر فقها احتمال مي دهد واجماع فقها را در اين مورد از الخلاف شيخ طوسي حكايت مي كند و ادعا مي كند كه نظر مخالف جازاز «نهاية الاحكام والتذكرة والروض» حكايت نشده كه اينان در صورت عجز از قرآن و بدل آن، تسبيح و تحميد و تهليل را اجازه داده اند. شكي نيست كه اين نظريه ضعيف است، به دليل اصل واطلاق ادله و خالي بودن آن از امر به انتقال به آن (ترجمه) در هيچ مرتبه اي از مراتب و نيز به دليل داخل بودن ترجمه قرآن در كلام آدميان، همچنانكه در جامع المقاصد وغيره آمده است.

در روايت راجع به لسان عربي مبين آمده است كه زبان عربي فصيح «يبين الالسن و لاتبينه الالسن» (1)؛ محتوای زبانها را بیان می کند ولی سایر زبانها محتوای آن را نمی توانند بیان نمایند» (2).

1 - شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه 2: 812.

2 - محمد حسن نجفي، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام 9: 299 و 313 - 315.

-(130)-

7 - از نظر امام خميني و فقهاي معاصر

در كتاب «عروة الوثقي» مرحوم سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي فقيه عاليقدر قرن سيزدهم هجري كه با حواشي و تعليقات امام خميني و ساير فقهاي معاصر همراه است، نيز ترجمه قرائت حمد وسوره در هيچ حال اجازه داده نشده بلكه واجب است كه آن را فرا گيرد و در صورت ضيق وقت بايد به تعداد آيات وبه مقدار حروف سورة فاتحه الكتاب از ساير سورة هاي قرآن بخواند. واگر چيزي از قرآن نمی داند، به

همان مقدار تسبیح و تکبیر و ذکر گوید و احتیاط مستحب این است که تسبیحات اربعه را به مقدار سورة حمد بخواند (1).

در عین حال فقهای شیعه هیچ کدام ترجمه قرآن را در غیر نماز ممنوع ندانسته بلکه امام خمینی رضوان الله علیه در کتابهای فارسی خود پاره ای از آیات را ترجمه کردند. آیات عظام میلانی و خویی رحمه الله علیهما با دستخطی که برای ترجمه انگلیسی میر احمد علی نوشته اند، کار ترجمه قرآن را با شرایطی نیکو لازم شمرده اند.

ترجمه قرآن از نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت نیز براساس روایتی که از حضرت امیر علیه السلام نقل می کنند نماز بدون سورة حمد را ناقص و نارسا می دانند و معتقدند که باید قرائت سوره حمد در نماز به قصد قرائت قرآن باشد. بنابراین از آن جا که به اتفاق همگان بجز ابو حنیفه پیشوای حنفیان ترجمه های قرآن، قرآن محسوب نمی شود و نمی توان با آن قصد قرائت قرآن کرد، بنابراین جایگزینی ترجمه به جای قرآن امکان پذیر نیست. اما در این که آیا ترجمه، کتابت، قرائت قرآن به غیر عربی جایز است یا نه اختلاف نظر دارند، در این

1 - العروة الوثقی، مع تعلیقات لاشهر مراجع العصر و زعماء الشیعة الامامية: 222.

فصل به اختصار دلائل هر يك از مذاهب را از نظر می گذرانیم:

استناد اهل سنت به روایت امام علی علیه السلام

براساس روایتی که فقهای اهل سنت از حضرت علی علیه السلام در مورد قرائت نماز نقل می کنند و در

موسوعه فقه علي بن ابي طالب آمده در نماز هاي فريضة ابتدا سورة فاتحه در دو ركعت اول خوانده مي شود زيرا كه امام علي عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه وآله روايت مي كنند كه فرمود: هر نمازي كه در آن ام الكتاب قرائت نشود آن نماز ناقص و نارس (1) است. بنا بر اين اگر كسي سوره فاتحه را نخواند نمازش باطل است و بايد قرائت اين سوره بقصد قرائت قرآن باشد (2). و اگر آن را بخواند و قصد قرائت قرآن نكند مجزي نيست (3).

1 - از نظر ابو حنيفه پيشواي حنفيان

شمس الدين سرخسي (400 - 483 هـ) فقيه بزرگ حنفيان و عالم بزرگ ماوراء النهر در كتاب «المبسوط» كه از اهم مراجع و موسوعه بزرگ فقه حنفي است و در بردارنده روايات محمد بن حسن شيباني از ابو حنيفه پيشواي حنفيان است (4)، اصل نظريه ابو حنيفه را چنين نقل مي كند:

1 - كنز العمال: 22157 ومسند زيد 1: 25 والمجموع 3: 319.

2 - المحلي 4: 3.

3 - دكتور محمد رواي قلعه جى، موسوعة فقه علي بن ابي طالب، دار الفكر 1403: 378، قراءة الفاتحة: يقرأ أولاً الفاتحة في الركعتين الأولىين من الفرض فانه روي عن رسول الله صلي الله عليه وآله انه قال: كل صلاة لم يقرأ فيها بأم الكتاب فهي خداج فان ترك الفاتحة فسدت صلاته. ويجب ان تكون قراءته لها بقصد قراءة القرآن فان قراها وهو لا يقصد قراءة القرآن لم يجزي.

4 - ابو حنيفه در سال 80 هـ ق متولد شد و در 150 هـ ق وفات يافت. وي يكي از فقهاي مشهور و رئيس مكتب فقهي معروف به مذهب حنفي است جنگهاي اسلام و فارس، جد وي، ذوطي را از فارس به كوفه مهاجرت داد ابو حنيفه در شهر كوفه شهرت فراواني يافت و در طول زندگانيش در جلسات درس، مباحث فقهي را تدریس مي كرد بعداً بسياري از شاگردانش بحثها و گفته هاي وي را جمع آوري کرده وبه رشته تحرير در آور دند. از جمله دو شاگرد معروفش، محمد شيباني و ابو يوسف هستند.

هرگاه کسی در نماز قرآن را به فارسی قرائت کند، از نظر ابو حنیفه جایز اما مکروه است به نظر دو شاگرد وی (محمد شیبانی و ابو یوسف) در صورتی که می تواند درست به عربی بخواند، ترجمه جایز نیست، اما اگر نمی تواند درست عربی بخواند جایز است.

ابو یوسف و محمد شیبانی می گویند: قرآن معجزه است و اعجاز در نظم و معناست و وقتی شخص می تواند هر دو را بجا آورد، جزا آن دو، وجوب (قرائت قرآن در نماز) ادا نمی شود. ولی هرگاه از نظم قرآن عاجز است، آنچه را که می تواند بجا آورد. مانند کسی که از انجام رکوع و سجود عاجز است و یا اشاره نماز می خواند.

آنگاه شمس الدین سرخسی دلائل ابو حنیفه را چنین ذکر می کند:

روایت شده که ایرانیان به سلمان فارس رضی الله عنه نوشتند که برایشان سوره فاتحه را به فارسی بنویسد و آنان سوره حمد فارسی را در نماز می خواندند تا این که زبانشان به عربی آشنا شد.

اگر کسی به زبان فارسی اظهار ایمان کند، مؤمن محسوب می شود؛ همچنین اگر به هنگام ذبح، نام خدا را به فارسی جاری کند یا در حج به فارسی لبیک گوید، صحیح است، همچنین هرگاه به فارسی تکبیر گوید و یا قرائت حمد و سوره را به فارسی بخواند.

البته قرائت قرآن به فارسی از نظر ابو حنیفه در صورتی جایز است که یقین کند که آن ترجمه معنای عبارت است اما هرگاه با تفسیر قرآن نماز بخواند جایز نیست، چون نمی توان آنرا به طور قطع قرآن نامید (1).

1 - شمس الدین سرخسی، المبسوط 1: 37.

در «الفتاوي الحديثه» ابن حجر آمده که ابو حنیفه در جواز قرائت قرآن به فارسي به آیه «وَأَنزَلْنَاهُ لَكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُمَدِّدًا لِّمَا بَيَّنَّ يَدَايَاهُ مِنَ الْكِتَابِ...» (2)؛ «وما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، کتابی که تصدیق کننده کتب پیشین است». استدلال کرده است (3).

سرخسي استدلال به آیه فوق را چنین از ابو حنیفه نقل می کند: آنچه که واجب است در نماز قرائت شود قرآنی است که معجزه است و اعجاز در معناست زیرا حجت بر تمامی مردم است و عجز ایرانیان از آوردن مثل آن آشکار شده و قرآن کلام قدیم است و تمامی زبانها محدث و نمی توان گفت قرآن به زبان مخصوص است در صورتی که خداوند می فرماید: «وَأَنزَلْنَاهُ لَكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُمَدِّدًا لِّمَا بَيَّنَّ يَدَايَاهُ مِنَ الْكِتَابِ...»؛ «مطالب قرآن در کتب پیشین است» و کتب پیشین به زبان خودشان است (4).

بررسی دلیل ابو حنیفه:

دلیل ابو حنیفه نزدیک به عقیده ابو الحسن اشعري است که می گفت: مقصود از قدیم بودن کلام خدا، الفاظ و حروف خواندنی و نوشتنی نیست - که حادث و مخلوق بودن آنها بدیهی است - بلکه مقصود کلام نفسی اوست و کلام حقیقی همان نفسی است که غیر از عبارات والفاظ است و با اختلاف زبان و تبدیل مکان اختلاف پیدا نمی کند. از سویی دیگر صحیح است که در مورد خداوند گفته شود: او متکلم است و این هیات اسم فاعل برای کسی به کار می رود که به فعلی می پردازد و آن فعل صفت

1 - سورة شعرا: 196.

2 - سورة مائده: 48.

3 - ابن حجر «الفتاوي الحديثه» چاپ دار التقدم: 129 به نقل از فلسفه قانونگذاری در اسلام، دکتر صبحي محمما ني: 121.

4 - سرخسي: الميسوط 1: 37.

اوست و از این رو کلمات متحرک، ساکن و نائم به کسی گفته می شود که به حرکت و سکون و خواب می پردازد، نه به کسی که آنها را ایجاد می کند. بدیهی است که امکان ندارد خداوند متصف به کلام لفظی شود زیرا که محال است قدیم به صفت حادث موصوف شود. بنابراین چاره ای نیست که ملتزم به کلام قدیم شویم تا بتوان خدا را به اعتبار موصوف شدنش به کلام قدیم متکلم نامید.

و از آنجا که طواهر و الفاظ عربی قرآن کلام حادث است، کلام ا[حقیقی نیست.

آنچه کلام ا[و معجزه است همان کلام نفسی است که در کتب پیشین در قالب سایر زبانها موجود است:
 «وَأَنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ» و بنابراین کلام نفسی در نماز به هر زبانی باشد، در قرائت نماز کفایت می کند.

نظر ابو حنیفه در برابر کسانی است که الفاظ عربی قرآن را هم قدیم می دانند و براساس آن فضیلت و برتری خاصی برای زبان عربی قائلند و یا حنابله که پا را فراتر نهاده حتی حروف و کلمات نوشته شده و حتی بعض از آنها کاغذ و جلد قرآن را نیز قدیم می دانستند (1).

پاسخ آیت ا[العظمی خویی از قدم قرآن:

آیت ا[العظمی خویی رحمه ا[در البیان خود به تفصیل به رد نظریه قدم قرآن پرداخته که ما حاصل آن این است: تکلم از صفات فعلی خداوند است که می توان آنرا نفی یا اثبات کرد مانند صفت خلق و رزق، نه از صفات ذات که سلب آن از خدا محال است مانند علم، قدرت و حیات. کلام کیفی است عارض بر صوت تولید شده از امواج هوا و این امر قائم به هواست نه متکلم و مبدا در صیغه متکلم، تکلم است. لذا ما معنایی جزا ایجاد کلام برای آن تصور نمی کنیم و بنابراین اطلاق آن بر خدا

اما استدلال به این که هیات اسم فاعل برای بیان آن است که انجام دهنده کار به آن عمل موصوف است غلط آشکار است، زیرا که هیات اسم فاعل بیانگر آن است که فاعل به نوعی آن کار را پدید آورده است. اما خصوصیات برپایی آن فعل که آیا ایجادي است یا حلولي یا غيره، در مفاد آن هیات گنجانده نشده است. بلکه به اختلاف موارد فرق می کند و تحت يك ضابطة كلي نیست، مثلاً عالم و نائم بر ایجاد کننده علم و خواب اطلاق نمی شود اما قابض و باسط و نافع و ضار بر ایجاد کننده این افعال اطلاق می شود.

بنا بر این صحیح نبودن اطلاق متحرك بر ایجاد کننده حرکت مستلزم عدم صحت اطلاق متكلم بر ایجاد کننده کلام نیست و کلام نفسي صرفاً امري خیالي است که دلیل و برهاني بر آن نیست (1).

از نظر امام خمینی رحمه الله تکلم از صفات ذات خداوند است چنانکه بعضی از اهل معرفت گفته اند چون خداوند اراده کند که آنچه در عالم غیب است اظهار فرماید، تجلي می کند و این تجلی، تلکم حق تعالی است.

امام خمینی رحمه الله می افزایند: اگر آن کلامی که در مرتبة ذات است، کلام نفسي خوانده شود درست است و ما را بر سر اصطلاح با کسی نزاعی نیست (2).

تغییر رای ابو حنیفه از نظر مرغینانی و دیگران:

برهان الدین ابی الحسن علی بن ابی بکر عبد الجلیل الرشدانی مرغینانی (متوفی 593 هـ) فقیه، حافظ، محدث و مفسر بزرگ حنفیان در کتاب «الهدایة شرح بدایة

1 - آیت الله خویی، البیان: 406 - 413.

2 - برای تفصیل رجوع شود به کتاب طلب و ارادة امام خمینی: 18 - 37 و این نمونه ای از تقریب بین شیعه و سنی در مسأله کلامی در اثر اجتهاد و تحقیق است.

المبتدي» که از کتابهای درسی و بسیار معتبر و مشهور فقه حنفی است می نویسد:

اگر سورة فاتحه نماز را به فارسی بخواند یا قسمتی از قرآن را به دنبال حمد به فارسی قرائت کند یا با ترجمه فارسی بسم الله ذبح کند در حالی که می تواند بخوبی به عربی ادا کند، از نظر ابو حنیفه رحمه الله کفایت می کند و دو شاگردش (محمد شیبانی و ابو یوسف) می گویند: کفایت نمی کند – جز در ذبح – مگر این که نتواند عربی را بخوبی ادا کند که در این صورت (حمد و سوره به فارسی) کفایت می کند.

مرغینانی در شرح این عبارت بدایه توضیح می دهد که در مورد سورة حمد، محمد شیبانی هم رای با ابو حنیفه است در عربیت و با ابو یوسف در فارسی زیرا لغت عرب مزیتی دارد که در سایر زبانها نیست. اما کلام در قرائت سوره یا قسمتی از قرآن بعد از حمد در نماز، علت قول محمد و ابو یوسف این است که قرآن اسم است بر منظوم عربی همچنانکه صریحاً به آن اشاره شده: قرآناً عربیاً مگر در صورت عجز که به معنا اکتفا می شود مانند اشاره، به خلاف گفتن بسم الله به هنگام ذبح زیرا ذکر به هر زبانی حاصل می شود؛ نظر ابو حنیفه بر گفته خداوند در قرآن است که می فرماید: «وانه لفي زیر الاولین؛ مطالب قرآن در کتب پیشینیان است» و این قرآن که در کتب پیشین است به عربی نبوده است... آنگاه مرغینانی می افزاید:

روایت شده که ابو حنیفه در اصل مساله از نظر خود برگشته و نظر اخیرش همان نظریه ای است که توسط دو شاگردش شیبانی و ابو یوسف ارائه شده است (1).

آلوسی می نویسد: جمعی از محققین مورد وثوق بازگشت ابو حنیفه را از قول به جواز قرائت حمد در نماز به غیر عربی درست دانسته اند و این رجوع به علت ضعف

1 – برهان الدین مرغینانی، الهدایة، شرح بدایة المبتدي 1: 47.

استدلال به آیه «وَأَنزَّلَهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ» است (1).

زرکشی در البرهان و سیوطی در الاتقان نیز نقل کرده اند که از ابو حنیفه روایت شده که وی از نظریه اش برگشته و قائل شده که خواندن نماز به فارسی مطلقاً جایز نیست و بنابراین از نظر وی نیز نظم، رکن لازم قرآن در هر حال است (2).

در حالی که بعضی راه افراط را پیموده و جواز قرائت قرآن را همه زبانها مثل فارسی، ترکی، هندی و غیره به ابو حنیفه نسبت داده اند. آلوسی، صاحب تفسیر روح المعانی می نویسد: در روایتی از ابو حنیفه آمده است که جواز قرائت قرآن به غیر عربی در نماز اختصاص به فارسی دارد زیرا که بعد از عربی برترین زبانهاست و در خبر آمده است که زبان اهل بهشت عربی و فارسی دري است؛ «لسان أهل الجنة العربي والفارسي الدرّي» (3).

و در روایت دیگر از ابو حنیفه آمده که قرائت به فارسی در نماز فقط برای کسی که از خواندن عربی ناتوان است، جایز است (4).

آنگاه آلوسی می افزاید: بعضی از محققین مورد وثوق استدلال به آیه «وَأَنزَّلَهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ» را برای جواز قرائت به غیر عربی رد کرده و گفته اند: ضمیر در و انه به قرآن بر می گردد با تقدیر مضاف یعنی ذکر در کتب پیشین آمده است، همچنان که گفته

1 - آلوسی، تفسیر روح المعانی 19: 126.

2 - زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، 1: 287 - 288 و ترجمة الاتقان فی علوم القرآن سیوطی 1: 353.

3 - برسوی در تفسیر روح البیان 6: 307 این حدیث را از صاحب الکافی و قهستانی و ابن الکمال و غیره نیز ذکر کرده که همگی آنرا در این جا صحیح دانسته اند و نیز روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به فارسی سخن گفته اند و از مثنوی نقل می کند که: فارسی گو گرچه تازی خوشتر است عشق را خود صد زبان دیگر است.

–(138)–

می شود که فلانی در دفتر امیر است یعنی ذکر او در آن است(1).

سید محمد رشید رضا در تفسیر المنار پس از نقل اقوال فقهای حنفی چنین نتیجه گیری می کند که نمی توان به گفته ابو حنیفه برجواز ترجمه قرآن به هر زبان – چه در نماز و چه در غیر نماز – برای قادر و عاجز استدلال کرد زیرا بنا به روایت اختصاص ترجمه به فارسی، ترجمه قرآن به سایر زبانها مطلقاً جایز نیست و بنا به روایت بازگشت وی به گفته دویارش مطلقاً چه در نماز و چه در غیر نماز برای کسی که قادر به خواندن عربی می باشد جایز نیست(2). و بنا به روایت موثقین از وی، ترجمه قرآن مطلقاً جایز نیست چه در نماز و چه وجه در غیر نماز چه برای قادر و چه برای عاجز. و این رای اخیر ابو حنیفه مورد اعتماد است و صحیح آن است که به آن مراجعه شود.

نظر فقهای متاخر حنفی:

فقهای متاخر حنفیان از نظر پیشوای خود ابو حنیفه فاصله گرفتند تا جایی که فقیه و مفتی حنفی حسن بن عمار الشرنبلانی (متوفی 1069 هـ) صاحب کتاب غنیة ذوي الاحکام، رساله ای پیرامون کتابت و قرائت قرآن به فارسی نوشته که خلاصه آن این است: کتابت قرآن به فارسی حرام است. تنها کتابت تفسیر و ترجمه هر حرفی از آن با عربی جایز است و کسانی که عربی نمی دانند نمازشان بدون قرائت صحیح است (3).

1 – همان مأخذ: 126 و نیز رجوع شود به فخر رازی، تفسیر کبیر 1: 213 و برسوی، تفسر روح البیان، 6، 307 و حسن الشرنبلانی، کتاب النفخة القدسیة فی احکام قرائة القرآن و کتابته بالفارسیة.

2 – رجوع شود به مجله المنار 26: 31 – 36 و تفسیر المنار 9: 331 – 334 و تبیین الحقائق شرح کنز الدقایق، زیعلی: 1: 110 و 111 والمجموع شرح المذهب، نووی 3: 38 و شرح الفقه الاکبر، ملاعلی قادری، مصر 1332 هـ 136 – 137.

3 - النفخة القدسية في احكام قراءة القرآن و كتابته بالفارسية وما يتعلق بها في باقي الاحكام،
نسخة خطي در كتابخانه شهيد علي باشا، استانبول شماره 12، 2715 ورقه 15 / ب به نقل از
البيبليوغرافيا العالمية لترجمات معاني القرآن الكريم: 14.

(139)

نظر حنفیان معاصر:

و سرانجام فقهای حنفی معاصر آنقدر به سایر فقهای مذاهب اسلامی نزدیک شدند که شیخ مصطفی صبری شیخ
الاسلام در دار الخلافة عثمانیه که از علمای حنفی است، با ترجمه قرآن به مخالفت برخاسته و در این
باره کتابی بنام مسالة ترجمة القرآن الكريم (1) نوشته که خلاصه نظر وی چنین است: قرآن عبارت است
از نظم و معنا و این دو جزء قرآنند و جایز نیست که قرآن را از یکی از آن دو خالی کرد بلکه
بیشترین چیزی که دایر مدار تعریف قرآن است بر او صاف نظم است و این به معنای عدم اهتمام به معنا
نیست بلکه نظر علمای قرآن این است که سالمترین راه محافظت قرآن در محافظت نظم آن است. (2).

و این نمونه ای است از مسائل مورد اختلاف میان مذاهب اسلامی که در اثر تحقیق و اجتهاد به یکدیگر
نزدیک شده به وحدت و اجماع رسیده اند.

2 - از نظر فقهای شافعی

نظر محمد بن ادريس شافعي:

محمد بن ادريس شافعي (150 - 204 هـ) رئيس مكتب شافعي از خاندان قریش است که ابتدا شاگرد مالک بن
انس بود اما در اثر سفرها و تجربیات و استفاده از مالک شاگرد امام صادق علیه السلام (3) مكتب جدیدی
در فقه تاسیس کرد. مهمترین کتابی که از او

3 _ مالك خود مي نويسد: مدتي به نزد جعفر بن محمد مي رفتم و او را جز درسه حالت ندیدم، يا نماز مي گزارد يا در حالت روزه بود و يا قرآن تلاوت مي كرد هيچ چشمي و هيچ گوشي و هيچ قلبي، عالم تر و عابدتر و پرهيزگارتر از جعفر بن محمد ندیده و نشنیده و اندیشه نکرده است (تهذيب التهذيب 2: 104).

(140)

روايت شده «كتاب الام» در هفت جزء است.

بعضي گفته اند كه وي در كتاب الام نماز كسي را كه عربي نمي داند و در نماز قرآن را به غير عربي مي خواند صحيح دانسته است (1).

اما با مطالعه دقيق عبارت شافعي به نظر نمي رسد كه منظورش ترجمه سورة حمد باشد (2).

ولذا اكثر علماي شافعي قرائت قرآن را به غير عربي در نماز مطلقاً و برخي حتي در غير نماز اجازه نداده اند (3).

اينك به عنوان نمونه نظر چند تن از علماي بزرگ شافعي را به ترتيب تاريخ از نظر مي گذرانيم:

از نظر ابو اسحاق شيرازي شافعي:

ابو اسحاق ابراهيم بن علي بن يوسف فيروز آبادي شيرازي (متوفي 476 هـ) كه از بزرگان مكتب شافعي است در كتاب المذهب مي نويسد:

قرائت قرآن در نماز به غير عربي جايز نيست و نووي (متوفي 676 هـ) در شرح خود بر اين عبارت مي افزايد: قرائت قرآن به غير عربي خواه در نماز باشد يا خارج از آن جايز نيست و اكثر علماي شافعي در اين راي با ابو اسحاق شيرازي موافقند (4).

1 - شافعي، كتاب الام 1: 2 به نقل از البيبلوغرافيا العالمية لترجمات معاني القرآن: 14.

2 - محمد بن ادريس الشافعي الام 1: 102 - 103.

3 - رجوع شود به ابن قدامة، كتاب المغني و شمس الدين مقدسي، الشرح الكبير 1: 526 و فخر رازي، التفسير الكبير 1: 202.

4 - كتاب المذهب في فقه الامام الشافعي، و ابو اسحاق ابراهيم بن علي بن يوسف الفيروز آبادي الشيرازي، قاهره، چاپ عيسي البابي الحلبي، 1: 73 به نقل از البيبلوغرافيا العالمية لترجمات معاني القرآن، اكمل الدين احسان اوغلي: 14.

-(141)-

ترجمه قرآن از انظر غزالي شافعي

ابو حامد محمد غزالي (متوفي 505 هـ) که از علمای شافعی بود، در «احیاء علوم الدین» در مورد کسی که گمان می کند معنای قرآن محدود به ترجمه ظاهر و تفسیر آن است، می نویسد: او در حد خود سخن گفته، فهم مجموعه جهانیان را به اندازه خود محدود پنداشته و سخت در اشتباه است زیرا که اخبار و آثار دلالت دارد بر این که معنای قرآن گستردگی بسیاری برای همه صاحبان فهم دارد. و از امام علی علیه السلام نقل می کند که گفته اند: پیامبر چیزی در تفسیر قرآن نفرموده که پنهان باشد جز این که خداوند هر بنده ای را فهمی در قرآن می دهد: «الا ان یؤتی ا عبداهما فی القرآن»

اگر سواي ترجمه نقل شده چیزی نباشد ز این فهم چه باشد؟

وپیغمبر صلاّی ا علیه وآله می فرمود:

«ان للقرآن طهراً و بطناً و حداً و مطلعاً؛ قرآن دارای طاهر و باطن وحد و مطلعی است».

يعني قرآن را حد و نهايتي است و فوق هر حد و نهايتي، حد و نهايتي ديگر. علي، (كّرّم الله وجهه) مي فرمود:

اگر بخواهم مي توانم از نوشتن تفسير سورة حمد، هفتاد شتر را از كتاب گرانبار كنم در حالي كه تفسير و ترجمه طاهر سورة حمد در نهايت اختصار است پس سخن آن حضرت چيست؟

در روايت است كه پيامبر اكرم صلّي الله عليه وآله بيست بار بسم الله الرحمن الرحيم را تكرر كردند. مسلماً اين تكرر براي تدبير در باطن معاني آن بوده و گرنه ترجمه و تفسير طاهر چنين جمله اي نياز به تكرر ندارد.

—(142)—

در قسمت ديگر از اين مسعود نقل مي كند كه كسي كه علم اولين و آخرين را بخواهد بايد در قرآن تدبير كند.

بنابراين چگونه ترجمه و تفسير قرآن مي تواند وفادار به اين همه علوم بيكران باشد؟ (1) غزالي در كتاب ديگر خود مي گويد: به جاي فاتحه نمي توان ترجمه آن را خواند و كسي كه نمي تواند عربي را تلفظ نمايد، نمي تواند به ترجمه تنها اكتفا كند (2) گرچه بعضي خواسته اند نظر وي را در باره جواز ترجمه روايت و حديث در كتاب المستصفي (3) به قرآن تعميم دهند، اما نظرات صريح وي درباره عدم جواز ترجمه فاتحه در نماز اين استنباط را نفي مي كند (4).

دلايل فخر رازي و شافعي در برابر مكتب حنفي:

فخر الدين رازي (متوفي 606 هـ) كه از علما و مفسرين شافعي مذهب است در تفسير سورة حمد نظر شافعي و ابو حنيفه را با ذكر دلائل به تفصيل آورده كه خلاصه آن از اين قرار است:

شافعي گويد: ترجمه قرآن براي صحت نماز كافي نيست چه شخص قرائتش خوب باشد يا نباشد و ابو حنيفه گويد: كافي است هم در مورد قادر و هم در مورد عاجز (از قرائت) و از نظر ابو يوسف و محمد شيباني (دويار ابو حنيفه) تنها در حق عاجز كافي است.

و از این رو فقیه ابا الیث سمرقندی و قاضی ابا زید وبوسی تصریح به ترك آن کرده اند سپس فخر رازی دلائل مذهب خود را چنین بیان می کند:

1 - ابو حامد غزالی، احیاء علوم الدین 1: 289.

2 - غزالی، الوجیز: 27 و 26 والجام العوام: 14 - 17.

3 - غزالی، المستصفی 1: 169.

4 - رجوع شود به زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن 2: 65.

-(143)-

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین و صحابه جز با قرآن عربی نماز نخواندند، با این که بعضی از صحابه مانند سلمان فارسی، بلال حبشی و صهیب رومی، غیر عرب بودند.

2 - شخص، مامور به قرائت قرآن بخصوص سورة حمد در نماز است: ﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَْ الْقُرْآنِ﴾ و ترجمه فارسی، قرآن نیست زیرا:

تنزیل به لسان عربی مبین است:

آیه ولو جعلناه اعجمیاً نشانگر آن است که هر چه اعجمی است قرآن نیست.

و آیه لا یاتون بمثلہ بیانگر آنست که اگر کلام منظوم به فارسی مثل قرآن بود، کلام خدا تکذیب می شد.

3 - شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت که من نمی توانم قرآن را حفظ کنم و خوب در نماز بخوانم؛ فرمودند بگو: سبحان الله والحمد لله... و نفرمودند که به جای آن ترجمه اش را بخواند.

4 - اگر قرائت قرآن در نماز به فارسي جايز بود ديگر قرائت به عربي جايز نبود، زيرا كسي كه عربي نمي داند چيزي از قرآن نمي فهمد ولي از ترجمه آن، معاني آن را درك مي كند و مقصود اصلي از نماز هم حصول اين معاني است و وقتي كه ترجمه چنين فايده عظيمي دارد و خواندن به عربي مانع از آن است، مي بايست قرائت به عربي براي غير عربيها حرام باشد. و اکنون كه اين چنين نيست قرائت به فارسي هم جايز نيست.

5 - تعجب است از قائلين به جواز قرائت ترجمه قرآن در نماز كه خودشان مي گویند: اگر در آخر تشهد دعائي از جنس كلام آدميان خوانده شود نماز باطل است و آنگاه مي گویند: نماز با ترجمه آيا صحيح است با اين كه ترجمه آيات چه از نظر لفظ و چه از نظر معنا عين كلام آدميان است.

-(144)-

6 - فخر رازي از استدلال حنفيان به آيه **وَاَنْذَرُكُمْ لَفِي زُبُرِ الْاَوَّلِينَ** هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْاُولَى مبنى بر اين كه مطالب قرآن در كتب پيشين است و بطور اجماع مطالب كتب پيشين عبري و سرياني است، پاسخ مي دهد، كه منظور از آيه اين است كه اين داستانها در كتب پيشين موجود است (نه تمامي قرآن)(1).

ترجمه قرآن از نظر نووي شافعي

محي الدين نووي (متوفي 676 هـ) يكي ديگر از فقهاي بزرگ شافعيان در كتاب «الكبير المجموع شرح المذهب، صحيح مسلم و منهاج الطالبين»، چنين فتوا مي دهد كه بنا به مذهب ما قرائت قرآن به غير زبان عربي جايز نيست، خواه بتواند عربي بخواند يا ناتوان باشد. خواه در نماز يا در غير نماز و اين قولي است كه جمهور علما از جمله مالك و احمد و ابو داود برآورد(2).

و شيخ محمد خطيب شربيني نيز در شرح خود بر منهاج الطالبين نووي، ترجمه قرآن را در نماز جايز ندانسته زيرا خداوند مي فرمايد **انْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** كلمه عربيًّا كه صفت لازم قرآن است، دليلي است بر اين كه عجمي، قرآن نيست. زيرا كه نظم قرآن معجزه است (3).

3 - از نظر فقهاي حنبلي

1 - فخر رزاي، التفسير الكبير 1: 209 - 213.

2 - النووي، محي الدين ابو زكريا، يحيي بن شرف، المجموع شرح المذهب نسخة خطي كتابخانه ابا صوفيه، استانبول شماره 1291 ورقه 43 / 1 - 44 / 1 را به نقل از البيبلوغرافيا العالمية لترجمات معاني القرآن الكريم، اكمل الدين احسان او غلي، استانبول 1406: 14.

3 - محمد الخطيب الشربيني، مغني المحتاج علي منهاج الطالبين نووي، بيروت، دار الفكر 1: 159.

4 - ابن قدامه مقدسي، زاهد و فقيه و متكلم و محدث حنبلي متولد جماعيل نزديك بيت المقدس و به همين سبب مقدسي خوانده مي شود در دمشق به تحصيل قرآن و حديث پرداخت و آنگاه به بغداد رفت و در 575 در دمشق اقامت گزيد. او در لشكرکشي صلاح الدين بر ضد فرانکها شرکت کرد تاليف مشهورش در فقه حنبلي عبارت است از المغني و العمده در فقه و روضة الناظر در اصول براي اطلاع بيشتر ر جوع شود به بروكلمان يكم، 398، ذيل يكم، 9 - 688 و دانشنامه ايران و اسلام، تهران بنگاه ترجمه و نشر كتاب 1336، 6 / 781 - 881.

-(145)-

قرائت قرآن به غير عربي و يا تبديل لفظ آن به لفظ عربي در نماز مجزي نيست، خواه قرائتش به عربي نيكو باشد يا نباشد. دليل ما گفته خداوند «قراناً عربياً» و بلسان عربي مبين» است و نيز قرآن هم لفظ و هم معنای آن معجزه است، و وقتي تغيير يابد از نظم خارج مي شود و ديگر قرآن و مثل قرآن نخواهد بود، بلکه تفسير قرآن است (1).

در کتاب «شرح الكبير» شمس الدين مقدسي (متوفي 682 هـ) فتواي ابن قدامه وساير فقها به تفصيل شرح داده شده و در حاشيه مي افزايد گفته مي شود ابو حنيفه از راي خود برگشته و بنا بر اين عدم جواز جاگزيني ترجمه به جاي قرآن و مجاز نبودن ترجمه قرائت در نماز مورد اجماع تمام فقهاي اسلامي است (2).

از نظر مذهب مالکی نیز قرائت و کتابت قرآن به غیر عربی جایز نیست و از این رو فقهای مالکی نیز تعلیم و یادگیری قرائت حمد را برای کسانی که نمی‌توانند آنرا در نماز به عربی خوب بخوانند واجب دانسته‌اند. کسی که برایش یا دیگری ممکن نیست، باید به کسی که قرائتش خوب است اقتدا کند و اگر این هم برایش ممکن نبود، قرائت و قیام از وی ساقط می‌شود، و بعضی گفته‌اند: قیام وی - به اندازه آنچه برایش از ذکر میسر است - واجب می‌باشد.

1 - ابن قدامه، المغنی مع الشرح الكبير لشمس الدین المقدسی: 526.

2 - همان ماخذ: 528

-(146)-

در حاشیه دسوقی بر «شرح اقرب المسالك ابي البركات» که از کتب مالکیهاست آمده: قرائت قرآن به غیر عربی بلکه تکبیر در نماز به غیر عربی جایز نیست و کسی که از ادای فاتحه به عربی عاجز است باید به کسی که آنرا نیکو می‌خواند، اقتدا کند (1).

در کتاب «المدونة» (2) مالکیها از ابو القاسم راجع به کسی که سورة فاتحه را در نماز به عجمی می‌خواند و او عربی نمی‌داند، می‌پرسند که نظر مالک (3) در این باره چیست؟ وی پاسخ می‌دهد: مالک می‌گفت: کراهت دارم که شخص در نماز به غیر عربی دعا کند. و می‌دیدم که مالک کراهت داشت که افراد غیر عرب به عجمی سوگند یاد کنند (4).

محقق شاطبی (متوفی 790 هـ) مفسر و فقیه مالکی در کتابش الموافقات تحت عنوان منع ترجمه قرآن زبان عربی را از نظر الفاظ دلالت‌کننده بر معانی دارای دو جهت ذکر می‌کند:

1 - از جهت این که الفاظ و عبارات مطلق است که دلالت بر معانی مطلق می‌کند و این دلالت اصلی است.

1 - حاشیه الدسوقي علي شرح اقرب المسالك ابي البركات احمد بن محمد الدردير، قاهره، 1301 هـ: 1؛ 236 - 237 به نقل از زرقاني، مناهل العرفان 2: 57.

2 - كتاب المدونة كتابي است که پایه علم تابعان مالك مبتني بر آن است، اين كتاب توسط اسد بن فرات در اسديه، گردآوری شده وبعد سخنون آن را فرا گرفت و مرتب کرد و بنام المدونة الكبرى منتشر ساخت (ر. ک: فلسفه قانونگذاری در اسلام، دکتر صبحي محمضاني: 48).

3 - مالك بن انس (93 - 179 هـ) پیشوای مذهبی مالکی یکی از مذاهب بزرگ فقهی در اسلام است او در مدینه متولد و در همان جا وفات یافت مهمترین کتاب وی الموطا است که اساس مذهب مالکی است دیگر کتابهای او الرد علي القدريه والرسالة الى الرشيد والمدونة الكبرى، ابن ابي الحديد درباره وی می نویسد: مالك شاگرد ربيعه و ربيعه شاگرد عكرمه و عكرمه شاگرد ابن عباس و ابن عباس شاگرد علي بن ابيطالب عليه السلام است (شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، قم دار الكتب العلميه 1378 هـ: 1؛ 18).

4 - المدونة اسد بن فرات 1: 62، به نقل از زرقاني: مناهل العرفان 2: 57 و 58.

-(147)-

دارد و این دلالت تابعه است.

با نوع دوم، عبارات و بسیاری از داستانهای قرآن گوناگون می گردد، چون سیاق داستان در سوره ای به وجهی و در سوره دیگر با چهره ای دیگر است و در سوره سوم با چهره سوم و همین طور... و خداوند فراموشکار نیست (که به تکرار مکررات پردازد) ... وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا.

ترجمه این نوع دلالت‌های تابعی در هیچ يك از کلام عربی به کلام غیر عربی امکان پذیر نیست، چه رسد به ترجمه قرآن و نقل آن به زبان غیر عربی مگر این که فرض شود هر دوزبان در استعمال الفاظ برای معانی اصلی و تابعی یکسان باشند، بدیهی است که اثبات چنین امری دشوار است.

ابن قتیبه امکان ترجمه قرآن را بنا بر وجه دوم نفی کرده است، اما بنا بر وجه اول (یعنی دلالت اصلی) ترجمه قرآن ممکن و از آن جهت تفسیر قرآن و بیان معنای آن برای مردم صحیح است و به اتفاق اهل اسلام جایز است و این اتفاق حتی است بر صحت ترجمه معنای اصلی (1).

برخی از جمله اخیر شاطبی بر جواز ترجمه قرآن استدلال کرده اند، اما کلام شاطبی صراحت دارد در این که نقل و ترجمه معنای اصل قرآن ممکن است نه معنای تابعی.

زرقانی در مناهل العرفان به تفصیل در رد این استدلال پنج دلیل ذکر کرده است (2).

1 - شاطبی الموافقات 2: 44 و 45 به نقل از زرقانی: کتاب مناهل العرفان 2: 61 و 62.

2 - همان مأخذ: 63.

-(148)-

5 - ترجمه قرآن از نظر مکتب طاهریه

ابن حزم (متوفی 456 هـ) برجسته ترین نماینده مکتب فقهی طاهریه با شدت بیشتر ترجمه قرائت قرآن را به غیر عربی در هر حال غیر مجزی دانسته و در کتاب المحلی (1) کسی را که ترجمه فاتحه یا چیزی از قرآن را در نماز بخواند، فاسق دانسته نمازش را باطل می داند. چون خداوند فرموده است: قرآناً عربیاً و غیر عربی (قرآن) عربی نیست (2).

ابن حزم برای کسانی که قرآن را به عربی نمی دانند، خواندن دعا و ذکر را به زبان خودشان جایز دانسته اما ترجمه فاتحه یا سوره دیگر از قرآن و قرائت آن را در نماز حرام می داند.

مخالفت اندیشمندان معاصر اسلامی با ترجمه قرآن

بار دیگر اختلاف شدید تری میان اندیشمندان معاصر اسلامی بر سر ترجمه قرآن درگرفت. این اختلاف در

ترکیه مرکز عثمانی آغاز گشت و به مصر و لبنان و کشورهای مسلمان نشین شوروی و سایر نقاط تحت نفوذ دولت عثمانی کشیده شد.

از سویی دашمندان و متفکران اسلامی می دیدند که غرب دست نیاز به سوی مذهبی که بتواند جوابگوی عصر حاضر باشد، دراز کرده و تنها دین جهان شمول اسلام است که می تواند جهان غرق شده در مادیات و نومید شده از ادیان ضد علم و محدود را

1 - ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد بن سعید (384 - 456 هـ) متولد قرطبه اسپانیا شاعر، مورخ، فقیه، فیلسوف و عالم در کلام و از بزرگترین متفکران تمدن اسلامی که مکتب فقهی طاهریه را تدوین و روش آن را در کلیه علوم قرآنی به کار برد از جنبه نظری در مقابل مکتب حنفیه و درجه ای کمتر در مقابل مکتب شافعی است ولی در زمینه نظر و عمل هر دو در مقابل مذهب مالکی است که در عصر او در اسپانیا به شدت رواج داشته است بهترین کتاب وی در فقه کتاب المحلی است (دانشنامه ایران و اسلام 3: 503 - 516).

2 - ابن حزم کتاب المحلی 3: 254.

-(149)-

نجات دهد و تنها قرآن است که می تواند پاسخگوی نیازهای جوامع گوناگون در تمام زمانها و مکانها باشد و این مستلزم ترجمه قرآن به زبانهای مختلف دنیا است.

و از آن سو بعضی از مبلغین کینه توز یهودی و مسیحی را می دیدند که در برابر نفوذ و گسترش اسلام احساس خطر کرده، تهاجم فرهنگی وسیعی را با ترجمه های مغلوط و مغرضانه علیه اسلام و مسلمانان قرار داده اند، از این رو لازم و ضروری می دیدند که ترجمه های صحیحی از قرآن ارائه شود تا ترجمه های مغلوط و مغرضانه را کنارزند (1).

از سویی دیگر دانشمندان چون شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا می دیدند که استعمارگران شرق و غرب برای بیگانه کردن مسلمانان کشورهای اسلامی چون ترکیه و شوروی، از اسلام و قرآن، مردم را وادار به

تغییر خط قرآنی به لاتین و ترجمه قرآن به زبان ترکی، فارسی و چینی و غیره می کنند تا از سویی با زنده کردن روح ملی گرایی، احساس وحدت و همبستگی آنان را با سایر مسلمین سلب کنند و از سویی، ابهت و عظمت و تاثیر عمیق و نفوذ معنوی قرآن را با ترجمه های سست و تحت اللفظی درهم بشکنند و مسلمانان را از اصل قرآن و مفاهیم عالیّه آن بیگانه سازند (2).

در سال 1326 هـ ق محمد رشید رضا از یکی از علمای اسلامی شوروی به نام شیخ احسن شاه افندی احمد نامه ای دریافت می دارد که در آن نسبت به تلاش ترکان شوروی برای ترجمه قرآن و جایگزینی آن به جای کلام ا[] مجید در کشورهای مسلمان نشین شوروی سابق اعلام خطر کرده، استمداد می طلبد.

1 - محمد فرید وجدی، الادلة العلمية على جواز ترجمة معاني القرآن الى اللغات الاجنبية 12 - 25.

2 - شیخ محمد رشید رضا . تفسير المنار 9 : 320 - 324 .

-(150)-

او در پاسخ وی در مجله المنار (1) مقاله مفصلي نگاشت و در آن فتوا به احتراز از ترجمه لفظی قرآن داد، شیخ محمد رشید رضا در این مقاله به شدت مخالفت خود را با ترجمه لفظی قرآن ابراز داشت.

بعضی از شیوخ جامع الازهر که در میان اهل تسنن جهان مورد احترام همگان هستند مانند شیخ محمد عبده، به منع ترجمه قرآن فتوا صادر نموده، حکم به وجوب مصادرة قرآنهاي مشتمل بر ترجمه حرفی دادند، هر چند که با آن ترجمه تفسیری باشد.

به عنوان نمونه، وقتی توسط بعضی از مترجمین هندی، قرآن همراه با ترجمه انگلیسی آن چاپ شد و نسخه هایی از آن به مصر رفت، حکومت از شیخ الازهر راجع به آن استفتاء کرد و شیخ الازهر به منع آن فتوا داد و حکومت از ورود این ترجمه به سرزمین مصر جلوگیری به عمل آورد (2). همچنین بنا به فتوای فقهای لبنان از ورود ترجمه انگلیسی به لبنان جلوگیری شد.

بعضی از سلاطین عثمانی چون سلطان عبد الحمید دوم، ترجمه قرآن را به زبان ترکی مطلقاً ممنوع کردند،

ولي پس از العام قانون اساسي تركيه در سال 1908، بعضي از نويسندگان ترك به ترجمه قرآن پرداختند و ابراهيم حلمي اولين ترجمه تركي را ارائه كرد و چون خلافت عثماني منقرض شد و حكومت به دست مصطفي كمال آتاتورك افتاد، نه تنها خط قرآني را به لا تين تغيير دادند بلكه حتي اذان را هم به تركي اعلام مي كردند (3).

1 - مجله المنار سال 1326، مورخ 29 ربيع الآخر 268 - 274.

2 - در باره ترجمه انگليسي مغلوطي كه فرقه احمد يه در هند انتشار داده بودند رجوع شود به مجله المنار سال 1343 هـ 795.

3 - دائرة المعارف قرآن كريم، مقاله محمد يوسف اريكسون، ترجمه دكتور محمد علي نجفي چاپ تهران 14 - 6 هـ 1: 28.

-(151)-

در سال 1936 دولت مصر با صدور تصويب نامه اي دائر بر اين كه «معاني قرآن كريم بايد رسماً ترجمه شود و پيشوايان دانشگاه الازهر با كمك وزارت فرهنگ مامور اين كار باشند». در حقيقت موافقت خود را با اين امر اعلام داشت.

منظور از اين اقدام طاهراً انتشار دين اسلام در ميان ملتهاي ديگر و ريشه كن ساختن آثار نا مطلوب ترجمه هاي مغلوط و مغرضانه بود.

بنا به پيشنهاد رئيس دانشگاه الازهر و به فتواي علما و اساتيد دانشكده الشريعة اين امر صورت گرفت اما جمعي از جمله جمعيت المحامين الشرعيين به شدت به مقابله با آن پرداختند.

در اين ميان موافقان ومخالفان با انتشار مقاله ها و رساله ها عليه يكدیگر احتجاج كردند (1).

فشرده دلائل مخالفين اين بود:

1 - زبان عربي شعار اسلام و مسلمانان است (2).

2 - قرآن كريم اسمي است شامل نظم و معنا و اگر ترجمه شود، نظم آن از بين مي رود و اين تعريف بر آن صادق نباشد (3).

3 - ترجمه قرآن و ترجمه معاني آن جايز نيست و حريم قرآن بايد از ترجمه دور

1 - رجوع شود به شيخ محمد سليمان حدث الاحداث في الاسلام اقدام على ترجمة القرآن مصر، چاپ سلفيه، 1355 هـ محمد فريد وجدي، الادلة العلمية في جواز ترجمة معاني القرآن الى اللغات الاجنبية، مصر 1936.

2 - ابن تيميه در كتاب اقتضاء الصراط المستقيم في لغة اصحاب الجيم به نقل از شيخ محمد سليمان: كتاب حدث الاحداث: 30.

3 - كتاب المنار از نسفي و شرح آن از ابن مالك، دار السعادة 1314 هـ: 9 به نقل از صبحي محماني، فلسفه قانونگذاري در اسلام: 30.

-(152)-

بماند، زيرا ترجمه براي دين و زبان ميهن اسلامي زيانبخش است(1).

4 - قرآن روح است و نور و روح و نور ترجمه پذير نيست، زيرا ترجمه آنرا تباه مي سازد(2).

5 - ترجمه حرفي قرآن كه مطابق اصل باشد، امكان پذير نيست و حتي ترجمه معنا كه عبارت است از فهم مترجم از قرآن يا تفاسير، قرآن نيست (3).

و خلاصه دلائل علمي الازهر طرفدار ترجمه قرآن، از اين قرار است:

- 1 - ایرانیان به سلمان نوشتند که سوره فاتحه را برای آنان به فارسی ترجمه کند و او چنین کرد و فارسی زبانان در نماز خود ترجمه فارسی فاتحه را می خواندند (4). و پیغمبر عمل آنان را نکوهش ننمود (5).
 - 2 - محمد فرید وجدی تاکید می کند که سلمان فارسی با اجازه و دستور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین کرد (6).
 - 3 - ابو حنیفه نماز را به فارسی و هر زبان دیگر جایز می دانست و یاران او ابو یوسف و محمد شیبانی برای کسی که آشنایی به زبان عربی نداشت، این امر را جایز می دانستند.
 - 4 - دعوت اسلام مخصوص عرب نبوده بلکه طبق آیات قرآن (7) و گفته پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام دین جهانی است و علت نزول قرآن به عربی برای آسان کردن دعوت
-
- 1 - فتوی المحامین الشرعیین در 12 حزیران 1936 به نقل از صبحی محمضانی فلسفه قانونگذاری در اسلام: 130.
 - 2 - شیخ محمد سلیمان، حدث الاحداث: 30.
 - 3 - محمد رشید رضا، تفسیر المنار 9: 331 - 334.
 - 4 - سرخسی، المبسوط 1: 137.
 - 5 - محمد فرید وجدی، الادلة العلمية في جواز ترجمة معاني القرآن الى اللغة الاجنبية: 13.
 - 6 - همان مأخذ: 58.
 - 7 - سوره هاي انعام: 19، اعراف: 158، سبا: 28 و فرقان: 1.

بود زیرا پیامبر وقومش عرب بودند (1).

5 – برای مللی چون مردم ژاپن و اروپا که کلمه ای عربی نمی دانند، چاپ و نشر قرآن عربی بدون ترجمه چه فایده ای دارد؟

6 – در برابر آن همه ترجمه های مغلوط و مغرضانه ای که برای قرآن توسط یهود و نصارا و غیره شده، باید ترجمه ای صحیح و مورد اعتماد از مراکز اسلامی ارائه گردد (2).

نتیجه مناقشات علمای الازهر:

نتیجه آن همه مباحثات و مناقشات اندیشمندان معاصر اسلامی، رسیدن به عدم جواز ترجمه لفظی و جواز ترجمه تفسیری بود.

شیخ محمد رشید رضا یکی از سردمداران مخالفین ترجمه قرآن طی مقاله مفصلي در مجله و تفسیر المنار به شدت مخالفت خود را با ترجمه لفظی قرآن اعلام داشت و مسلمانان را مقصر دانست که چرا برای همزبانان خود معانی قرآن را ترجمه معنوی و تفسیری نکرده اند تا امروز بیگانگان ترجمه لفظی قرآن را به جای آن نشانند (3).

و نیز یکی از لغزشهای مسلمانان در دین این است که دچار تفرقه شوند و قرآن را در میان خود مهجور سازند و به فهم اندک مترجمی که به زبانش از قرآن برداشت کرده اکتفا کنند.

1 – بعثت الي الناس عامة؛ من به سوي عموم مردم مبعوث شدم شرح بخاري 4: 7 والاحكام اين ندیم 1:

2 – محمد فرید وجدي، الادلة العلمية في جواز ترجمة معاني القرآن 13 – 21.

3 - ان من تقصير المسلمين في نشر دينهم ان لا يبينوا معاني القرآن لاهل كل لغة بلغتهم و لو بترجمة بعضه الترجمة المعنوية التفسيرية لا اللفظية الحرفية لاهل دعوة من ليس من اهله اليه، مجله المنار 29 ربيع 2: 1326: 268 - 274 و تفسير المنار: 320 - 324.

(154)

این تزلزل ولغزش اثر تلاش سياسي اروپا براي مسلمانان است. آنان جدا شدن از يکديگر و تقسيم شدن بر حسب نژاد و زبان و مليت را براي ما زيبا جلوه دادند و هر ملتي از ما حيات خود را در آن پنداشت در صورتي که اين جز وسيله مرگ و نابودي همگي ما نيست.

محمد رشيد رضا دلايل فراواني براي خطر ترجمه حرفي و قرار دادن آن به جاي قرآن از علما و فقها و مفسرين جمع آوري نموده و نتيجه مي گيرد که:

ترجمة حرفي قرآن که مطابق اصل باشد، امکان پذير نيست و حتي ترجمه معنوي که عبارت است از فهم مترجم از قرآن يا فهم او از قرآن به استناد آنچه که مفسرين در يافت کرده اند، قرآن نيست. افراد غير عرب که به دست اصحاب پيامبر صلي الله عليه وآله وارد اسلام مي شدند از همان ابتدا در مي يافتند که اسلام داراي زبان خاصي است که بايد ميان آنان تعميم يابد تا کتابي را که به آن ايمان آورده و هدايت يافته و با تلاوت آن خدا را عبادت مي کنند، بفهمند و نيز به وحدتي که در آيه [انَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ] اشاره شده است دست يابند. و بر اساس آيه: [وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...]. به ريسمان محکم الهي چنگ زنند و پراکنده نشوند بلکه به آيه: [انَّ أَوَّلَ الْإِسْلَامِ الْإِخْوَانَةُ...]. جامه عمل پوشند و اخوت و برادري را در ميان خود به کمال رسانند؛ از اين رو زبان عربي را در کشورهايي که اصحاب فتح کرده بودند به سرعت شگفت انگيزي انتشار دادند، با اين که مدارس و کتب و اساتيدي براي تعليم اين زبان نبود. اين وضع تا اوایل دوره عباسي در شرق و غرب همچنان ادامه داشت تا جايي که زبان قرآن، زبان ميليونها اروپايي، بربر، مصري، رومي و ايراني و غيره در ممالکي گرديد که از دريائي آتلانتیک تا سرزمينهاي هند گسترده بود.

متأسفانه از زمان مامون در شرق حرکت تعصب ملي آغاز گرديد و باعث سقوط

(155)

خلافت و پراکندگی جمع مسلمین گردید. اما این فتنه به ایجاد قرآن غیر عربی نینجامید و این که غریب‌زدگان به سیاست استعماری غرب کمک می‌کنند تا باقیمانده روابط مسلمانان را که قرآن است با ترجمه حرفی از هم بگسلند، در صورتی که قرآن با نص قطعی و اجماع شرعی، عربی و حتی تبدیل لفظی از الفاظ قرآن به لفظ دیگر از لغت عربی مانند کلمه شك بجای ریب در آیه ذلك الكتاب لاریب فیه به اجماع مسلمانان جایز نیست.

اما ترجمه معنوی و تفسیری که عبارت است از تفسیر آنچه نیاز به تفسیر و آشکار شدن دارد به زبان دیگر حرام نیست بلکه تابع مصلحت شرع به مقدار آن است (1).

ثمره این مباحثات ترجمه معنوی قرآن پیکتال زیر نظر علمای الازهر بود که در مقدمه خود قرآن را غیر قابل ترجمه اعلام داشت و کار خود را به جای ترجمه، معنا و مفاد قرآن نامید همانطور که قبلاً اشاره شد، پروفیسور آربری نیز در مقدمه خود همین نظریه را پذیرفت. در هند و پاکستان هم می‌توان از ترجمه تفسیری یوسف علی و ترجمه تفسیری محمد علی با تقریظ چند تن از مراجع شیعه نام برد. اخیراً ترجمه عده ای از علما و دانشمندان شیعه و سنی به انگلیسی غیر کلاسیک زیر نظر دکتر محمودی زید، استاد دانشگاه بیروت با بررسی و تایید دار الفتوای اهل سنت و مجلس عالی اسلامی شیعه لبنان در سال 1980 م توسط دار الشوری در بیروت چاپ شده که نمونه ای از تقریب غنی میان علما و دانشمندان شیعه و سنی در کار قرآن کریم است.